

تحقق عدالت و امنیت بزه‌دیده در فرایند کیفری و نهج‌البلاغه

میثم کشاورزی ولدانی*^۱

مسعود حیدری کاملی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

چکیده

امروزه جرم‌انگاری تهدید شهود بزه‌دیده جهت ترساندن آنها از مراجعه به دستگاه قضایی یا پس گرفتن شکایت یا شهادت ندادن یک روش معمول در بسیاری از نظام‌های کیفری است. پرهیز از رویارویی بزه‌دیده با متهم یا بزه‌کار به‌عنوان یکی از حقوق عینی-مادی بزه‌دیدگان یکی از مؤلفه‌های مهم تأمین امنیت آنان است. لذا با توجه به اهمیت این مسئله، در پژوهش جاری اهتمام بر آن است تا به مقوله تحقق عدالت و امنیت بزه‌دیده با نگاه بر قوانین کیفری ایران و کتاب شریف نهج‌البلاغه به شیوه تحلیلی-توصیفی و با استفاده از رویه مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته شود. نتایج حاکی از آن است که نظام عدالت کیفری باید بکوشد تا مسئله امنیت فرد بزه‌دیده از جنبه‌های مختلف همچون ایجاد محیط امن برای بزه‌دیده، شهود وقوع جرم و همچنین خانواده‌های آنان توسط قانونگذار تأمین شود تا بزه‌دیدگان بدون کمترین تشویق ذهن، به اعاده حیثیت و شکایت از بزه‌کار پرداخته و بدین ترتیب از حمایت قانون جهت استیناف حق خویش، برخوردار گردند. موازی با این دیدگاه حقوقی، حضرت علی (ع) نیز در نهج‌البلاغه در خطبات مختلف همچون خطبه ۴۰ و ۱۰۶ حصول امنیت برای ستم‌دیدگان و مظلومین جامعه را وظیفه حاکم دانسته و پیوسته بر دادخواهی حقوق مردم، سفارش فرموده‌اند.

واژگان کلیدی

بزه‌دیده، عدالت کیفری، امنیت بزه‌دیده، قانون ایران، نهج‌البلاغه

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول:

Meysam1keshavarz@gmail.com)

۲. دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

نگاه عدالت‌ترمیمی به مؤلفه‌های موجود در یک موضوع مجرمانه دیگر یک نگاه سنتی نیست و چون بزه یک رفتار تجاوزگرایانه نسبت به مردم و روابط آن‌ها محسوب می‌گردد، حمایت از بزه‌دیده از راه آگاهی‌رساندن آسیب و لطمه و امور پیرامون آن‌ها به بزه‌دیدگان و ایجاد مسئولیت برای بزه‌کار برای اصلاح امور، هدف اصلی می‌باشد و در همین راستا تدوین و اجرای سیاست‌های افتراقی با عنایت به گونه‌های گوناگون بزه‌دیده یک امر اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. اگرچه در مباحث امنیت پژوهش مرجع اساسی و هدف امنیت می‌تواند گزاره‌ها و رویکردهای مختلفی همچون جامعه، سیاست و... را در بر بگیرد، اما در روزگار کنونی امنیت فردی، جایگاه شامخی را از آن خود کرده است. زیرا اندیشمندان و سیاستگذاران بر این عقیده هستند که ذیل توضیح قانون مطلوب و همچنین ضمانت‌اجراهای مشخص و مبرهن، مادامیکه امنیت یک فرد به صورت نسبی تحت حمایت قوانین موسع قرار بگیرد، این رهاورد می‌تواند سبب ایجاد نوعی احساس امنیت در سراسر جامعه شود که به صورت دو منظوره بتوان از دستاوردهای آن بهره برد. اینکه فرد خود را همیشه زیر پرچم قانون ببیند و هم اینکه موجودیت او در شرایط متفاوت و در موقعیت‌های مختلف بنوعی در کانون اجتماع تعریف شده و می‌بایست خود را یا مسئول اعمال و رفتار خود بداند و یا نسبت به کسی که متعرض به حقوق وی شود، بتواند از حمایت قانون برخوردار شود. با تعمیم این مسئله در گستره حقوق و قانون می‌توان چنین تنویر نمود که با ظهور جنبش بزه‌دیده‌شناسی، خدمات‌رسانی به بزه‌دیده و حمایت از او در رأس برنامه‌های متصدیان عدالت کیفری قرار می‌گیرد و پیشگیری از جرم و مباحث مطروحه در آن از دیدگاه جرم‌شناسی، مبتنی بر تدابیری است که به موجب آن‌ها بتوان از وقوع جرم در آینده جلوگیری کرد، در حالی که علم پیشگیری از جرم همیشه از جمله مباحث بسیار مهم و رایجی بوده که هیچ‌گاه مورد بی‌اعتنایی و فراموشی جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به طور کلی علم سیاست جنایی و جامعه‌شناسی جنایی قرار نخواهد گرفت (موسوی، ۱۳۹۴). به همین منظور در این جستار به مسئله تأمین امنیت بزه‌دیده در کانون قوانین ایران و همچنین منویات نهج‌البلاغه اشاره خواهد شد.

مفهوم شناسی

- **بزه‌دیده:** بزه‌دیده در حقوق کیفری با عناوینی چون مجنی‌علیه و یا شاکی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در متون فقهی نیز به زیان دیده از جرم، به‌طور کلی، مجنی‌علیه اطلاق می‌شود ولی در هر جرم زیان‌دیده اصطلاح خاص خود را دارد مثل مسروق‌منه در سرقت و مجروح و مقتول در جرائم علیه اشخاص (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۰).
- **بزه‌دیده‌شناسی:** بزه‌دیده‌شناسی از مباحث مطرح شده در حقوق جزا و شاخه‌ای از جرم‌شناسی است. مسائل مربوط به بزه‌دیده را می‌توان به: شخصیت بزه‌دیده، ویژگی‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی او، مشخصه‌های اجتماعی-فرهنگی او، روابط او با مجرم و بالاخره مشارکتش در وقوع جرم اشاره کرد. از انواع بزه‌دیده‌شناسی به بزه‌دیده‌شناسی اولیه که به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و نیز رابطه قربانی جرم با مجرم می‌پردازد و بزه‌دیده‌شناسی ثانویه در اثر تحول و توسعه بزه‌دیده‌شناسی اولیه بوجود آمده است که دغدغه آن، بهتر ساختن سرنوشت بزه‌دیده با ارائه کمک، حمایت‌های مادی و معنوی و جبران خسارت‌های وی می‌باشد (توجهی، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

الوانی و شاه‌حسینی فارسی و کشاورز مویدی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری از بزه‌دیدگی معلولین» بیان می‌کنند که بزه‌دیده‌شناسی حمایتی از رهگذر تخصصی کردن سازوکارهای حمایتی خود، بر

حمایت از گروه‌های خاص بزهدیدگان از جمله معلولین بزهدیده تاکید می‌کند. زیرا معلولین به جهت وضعیت ناتوانی خود از جمله افراد بالقوه آسیب پذیر به شمار می‌روند و بدین لحاظ آماج مناسبی برای وقوع جرم بوده و در مقایسه با افراد دیگر بیشتر در معرض بزهدیدگی قرار دارند. لذا نیازمند حمایت‌های افتراقی ویژه و همچنین پیشگیری و مقابله با بزهدیدگی معلولین می‌باشد. در این پژوهش کوشیده شده است تا ضمن تبیین ضرورت وجودی پیشگیری کیفری از بزهدیدگی معلولین و حمایت کیفری از معلولین بزهدیده، گستره‌ی آن در پرتو قوانین و مقررات کیفری داخلی و اسناد بین‌المللی که در بردارنده حقوق کیفری ماهوی و شکلی می‌باشند، تشریح و براساس رهنمودها و آموزه‌های جرم‌شناختی آسیب‌شناسی گردد. از این رو در ابتدا پس از بیان مفهوم سیاست جنایی تقنینی و پیشگیری از بزهدیدگی معلولین و انواع آن به علت اقتضای موضوع یعنی محدود نمودن آن به معلولین و با ارایه تعریف از فرد معلول به دسته بندی معلولیت‌ها به کمک و قانون برخی کشورها و دکترین پرداخته شده است و سپس با بیان علل طرح پیشگیری از بزهدیدگی معلولین و حمایت از معلولین و مطالعه سیر تاریخی دیدگاه‌های موجود نسبت به این دسته از افراد، لزوم حمایت کیفری از معلولین بزهدیده و پیشگیری از بزهدیدگی معلولین نتیجه گیری می‌شود و سرانجام حمایت‌هایی که هر چند به صورت متشتت و غیرمنسجم در قوانین و مقررات حقوق موضوعه (ایران و اسناد بین‌المللی) صورت گرفته است مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد که در این میان چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود نیز مذاقه نظر خواهد بود.

ریچارد دراگ و وای، تی، گاردن (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان «هزینه‌های واحد اعمال بزهکارانه برای استفاده در ارزیابی‌های اقتصادی مداخلات با هدف کاهش مصرف مواد و بزهکاری در نوجوانان» بیان می‌کنند که: مداخلات سلامت روان جوانان با هدف کاهش مصرف مواد و بزهکاری در نوجوانان با انواع دیگر مداخلات برای بازپرداخت از بودجه عمومی رقابت می‌کند. در حوزه سلامت روان جوانان، اعمال بزهکارانه هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌کند. این هزینه‌ها باید در ارزیابی‌های اقتصادی انجام شده از منظر اجتماعی لحاظ شود. اگرچه ارتباط این هزینه‌ها شناسایی شده است، اما اغلب آنها را کنار گذاشته می‌شود زیرا هزینه‌های واحد اعمال معوق ناشناخته است. اطلاعات مربوط به مخارج دولت و وقوع جرایم، تعداد مرتکبین و درصد جرایم کشف شده و گزارش شده از پایگاه ملی جرم و عدالت مرکز تحقیقات و اسناد وزارت دادگستری و امنیت، آمار هلند و شورای قوه قضاییه در هلند ما یک رویکرد هزینه‌یابی خرد از بالا به پایین را برای محاسبه برآورد نقطه‌ای هزینه‌های واحد برای هر یک از اعمال متخلف به کار بردیم و متعاقباً، میانگین هزینه‌های واحد (SD) را برای هر یک از اقدامات متخلف با برداشت‌های تصادفی از یک توزیع مثالی برآورد کردیم. در حالی که عدم قطعیت ۱۰٪ مربوط به تخمین نقطه مرتبط را در نظر می‌گیرد. این مطالعه اولین مطالعه ای است که هزینه‌های واحد را برای هر عمل بزهکارانه به ازای هر مرتکب در هلند برآورد می‌کند. نتایج این مطالعه، گنجاندن هزینه‌های دولت مرتبط با جرم و عدالت را در ارزیابی‌های اقتصادی انجام‌شده از منظر اجتماعی امکان‌پذیر می‌سازد.

اکبری (۱۳۹۲) ابراز می‌دارد که بر اساس تاریخ مدرن نظام‌های عدالت کیفری به بزهدیدگان نقش و جایگاه مناسب و شایسته اعطا نشده است. یافته‌های جرم‌شناسانه نشان می‌دهد که توجه به نقش و جایگاه بزهدیده تأثیرات مهمی بر حل‌وفصل مسئله مجرمانه داشته و حتی می‌تواند موجبات پیشگیری از بزهدیدگی ثانوی قربانیان جرم را فراهم سازد. امروزه، یکی از ابعاد مهم حقوق بشری که برای تمامی بزهدیدگان قابل‌اعمال است، احترام به آن‌ها در چارچوب رعایت معیارهای رفتار منصفانه است. رعایت معیارهای رفتار منصفانه و دادرسی منصفانه دو بعد مهم حقوق بشری این موضوع

محسوب می‌شوند که اولی به رعایت حقوق بزه‌دیدگان و دومی به حقوق مجرمین و متهمان در فرایند کیفری اشاره می‌کنند حق بزه‌دیده بر امنیت خود و شهودش و اطلاع از حقوق خود در فرایند کیفری از جمله این حقوق‌اند که حقوق ماهوی و شکلی بزه‌دیده را در برمی‌گیرند. همچنین باید اشاره نمود که کاویانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با محوریت «حق امنیت فردی و تامین آن در نهج البلاغه» بیان می‌دارد که امنیت موهبتی الهی است که فرد در آن می‌تواند با استفاده از وضعیت امن، زندگی عادی و آرام خود را داشته باشد. حق بر داشتن این وضعیت امن را حق امنیت می‌گویند. مهم‌ترین بهره‌ای که فرد در این وضعیت می‌برد، با لحاظ ملازمه بین تامین حق امنیت و استیفای حقوق فردی، توانایی او بر اجرا و استیفای حقوق خودش است. در حقیقت، امنیت یعنی ایجاد فراخنا و وضعیتی خاص برای تحقق حق‌های فردی و مصونیت از تهدیدهای احتمالی است که مشخصاً از سوی حکومت و ماموران حکومتی ممکن است بر افراد تحمیل شود، می‌باشد. راهبرد حکومتی امام علی (ع) برای تامین این حق، عبارت است از ایمنی بخشی به مردم و القای این حس به مردم که هیچ تهدیدی از سوی حکومت و ماموران او متوجه افراد نمی‌شود. امام این کار را با صدور فرمان‌های قاطع به ماموران و هشدار، توبیخ و مجازات آنها در صورت عدم رعایت حال مردم انجام می‌دهد.

جایگاه پلیس و نهاد قضایی در خصوص تأمین امنیت بزه‌دیدگان

بزه‌دیده بعد از مراجعه به پلیس و دیگر مقامات قضایی، در اغلب موارد، فقط از همین حق تظلم خواهی خود آگاه است و به دیگر مراحل قضایی و اینکه چه اقداماتی باید انجام دهد، چه حقوقی دارد (حق بر جبران خسارت و ترمیم، حق بر اطلاع رسانی، حق برداشتن وکیل و...)، آگاهی ندارد و این امر با شوک و ناراحتی حاصل از جرم نیز درهم آمیخته و وضعیت وی آشفته‌تر می‌گردد. وجود واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی می‌تواند با ارائه اطلاعات لازم به بزه‌دیده و مشاوره با وی تا حدودی به وضع نابسامان بزه‌دیده پایان دهد (حاجی تبار، ۱۳۹۱). «پلیس می‌تواند با توضیح شیوه‌های کاری خود، فرآیند تحقیقاتی و آگاهی دهی به بزه‌دیده در زمینه چگونگی حفظ ادله و مدارک» به بزه‌دیده کمک کند. تا پیش از این، در ایران در سیستم پلیس واحدهای ارشاد و معاضدت که در جهت ارائه مشاوره به بزه‌دیدگان باشند، به شکل منسجم و سازمان یافته وجود ندارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳). هر چند که در برخی از مراکز استان‌ها این مراکز به چشم می‌خورد ولی به دلیل نداشتن پرسنل متخصص و افراد ناآشنا به ارزش مشاوره اعم از قضایی، روانی، عاطفی، به شکل یک نهاد ناکارآمد درآمده است (رایجیان اصل، ۱۳۹۰). در بسیاری از کشورها کتابچه‌هایی حاوی اطلاعات مربوط به مراحل رسیدگی و حقوق بزه‌دیدگان و مراجع حمایتی در دسترس، تهیه و در اختیار آنان قرار می‌گیرد. اما با تصویب مواد مختلفی در قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ این ابهامات تا حد زیادی رفع گردیده است. به عنوان مثال ماده ۳۸ این قانون بیان می‌کند: «ظابطان دادگستری مکلفند شاکی (بزه‌دیده) را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌های موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند» (سبزواری نژاد، ۱۳۹۲).

در زمینه حمایت شایسته از بزه‌دیدگان یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌توان اشاره کرد، استفاده از پلیس‌های آموزش‌دیده می‌باشند. پلیس‌هایی که با درک نیازهای مختلف بزه‌دیده بتوانند در عرصه حمایت از وی موفق عمل کنند (صفاری، ۱۳۹۲). موضوعی که سازمان ملل هم بدان توجه داشته است: «همه متخصصین کمک به بزه‌دیده باید به گونه‌ای مطلوب و حداقل چهار ساعت آموزش، پیش از خدمت در زمینه بزه‌دیدگی یا کمک به بزه‌دیدگی و پیشگیری از خشونت و نیز آموزش پیوسته در حین خدمت در زمینه این موضوع را ببینند». به همین منظور با در نظر

گرفتن نیازها، سن و جنسیت بزه‌دیده، به ضرورت به کارگیری و استخدام نیروهای آموزش دیده و متخصص در خصوص نحوه برخورد با بزه‌دیده پی برده می‌شود (قباچی و دانش ناری، ۱۳۹۱).

به‌منظور دستیابی به یک سیاست جنایی بزه‌دیده محور در جهت حمایت از بزه‌دیده و منصفانه بودن رفتار با بزه‌دیده، باید اقدامات بنیادینی همسو و هماهنگ با جامعه جهانی صورت گیرد. همچنین در خصوص کودکان بزه‌دیده نیز باید عنوان کرد که در حال حاضر اتخاذ معیارهای پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی کودکان مورد توجه نهاد پلیس قرار گرفته است (نیازپور، ۱۳۹۲)؛ تا جایی که برای رسیدن به این مقصود، آموزش نیروی پلیس و به ویژه تربیت نیروی متخصص، در برنامه‌ها و اولویت‌های این نهاد، قرار دارد. در همین ارتباط نیز مواد مختلفی در قانون آئین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲ به این موضوع پرداخته است که از آن جمله می‌توان به ماده ۲۸ این قانون اشاره نمود. طبق این قانون، «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند» (اکبری، ۱۳۹۲).

همچنین در بیشتر کشورهای دنیا، پلیس‌های زن با توجه به ضرورت بکارگیری آن‌ها استخدام شده و به خدمت پلیس و جامعه درآمده‌اند. ضرورت وجود پلیس‌های زن در خصوص مداخله در خشونت خانوادگی علیه زنان و کودکان جلوه گر می‌شود. «در فرانسه بیش از پانصد کلانتری برای حقوق زنان، جهت فراهم کردن تسهیلات برای بزه‌دیدگان خشونت خانوادگی ایجاد شده که تخصصی بوده و همه کارکنان آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند (آکسفورد و رادل، ۲۰۱۰). همه کارکنان این کلانتری‌ها از جمله پلیس، مددکاران اجتماعی و وکلای زنان تشکیل می‌دهند و هدف آن‌ها عبارت است: از رفتار با کودکان و زنان کتک‌خورده همراه با حساسیت داشتن به نیازهای آنان». زنان پلیس به تازگی در جامعه ایرانی استخدام شده و جایگاه خود را پیدا کرده‌اند، ولی هنوز هم تعداد آن‌ها ناکافی به نظر می‌رسد. پلیس‌های زن به‌جز در شهرهای بزرگ که تعداد آن‌ها هم اندک می‌باشد، در شهرهای دیگر وجود ندارند (بارت، ۲۰۱۷).

بی‌گمان اولین نیاز بزه‌دیده، به‌منظور برخورداری از حقوق خود و قرار گرفتن تحت حمایت چتر قانون، به رسمیت شناختن او به‌عنوان یک قربانی است که از وقوع جرم متضرر شده است؛ بنابراین اولین گام در جهت حمایت از بزه‌دیده شناسایی وی به‌عنوان یک بزه‌دیده است که کرامت ذاتی او لگدمال شده است (برینباوم، ۲۰۱۰). شناسایی موقعیت جدید فرد به‌عنوان بزه‌دیده، این معنا را برای وی در بردارد که جامعه انسانیت او را در این حالت نیز قبول دارد و از او حمایت خواهد کرد و این امر سبب بازگرداندن تعادل روانی از دست‌رفته وی شده و تضمین‌گر حقوق وی می‌باشد (کاک و راسه، ۲۰۱۲).

تأمین امنیت ضرورت اجتناب‌ناپذیر حمایت از بزه‌دیده

یکی از حقوق انسانی - اخلاقی بزه‌دیدگان تأمین امنیت وی و گواهان او در فرآیند جنایی است. به همین منظور باید تدابیری برای کاهش نگرانی‌های بزه‌دیدگان، حفاظت از هویت و زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت، و به‌طور کلی تضمین امنیتشان اندیشید. حفظ امنیت بزه‌دیده و گواهان وی در تمامی مراحل فرآیند کیفری مطرح می‌شود. چنانچه بزه‌دیده دریابد که در صورت شکایت و تعقیب ممکن است از جانب متهم تهدید شده و دوباره به وی آسیبی برسد یا اینکه آبرو و حیثیت وی ریخته شود ترجیح می‌دهد بزه‌دیدگی خود را پنهان نگه دارد و برای احقاق حقوق خود به دستگاه قضایی متوسل نشود. بنابراین تأمین امنیت بزه‌دیده پس از وقوع جرم بسیار ضروری است. امنیت

بزه‌دیده و شهود وی می‌تواند به صورت‌های مختلف تهدید شود. گاهی ممکن است بزه‌دیده از جانب متهم و یا دیگرانی که از جانب وی اقدام می‌کنند تهدید شود. گاهی ممکن است در طی فرآیند کیفری بزه‌دیده با متهمی که از وی واهمه و ترس دارد روبه رو شده و درد و آلام ناشی از بزه‌دیدگی تجدید شود و گاهی ممکن است در اثر فقدان مراقبت‌های خاص، علی‌رغم عدم تمایل بزه‌دیده، بزه‌دیدگی وی علنی شود و آبرو و حیثیت وی به ویژه در جرائم جنسی و خانوادگی، لکه دار شود. بند ۶ اعلامیه اصل بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت این نیاز حیاتی بزه‌دیدگان را مدنظر قرار داده و در بیان وظایف دستگاه قضایی بیان داشته به کارگیری تدابیری برای کاهش گرفتاری‌ها و دردهای بزه‌دیدگان، حفاظت از زندگی خصوصی آنان هنگام ضرورت و تأمین امنیت آنان و خانواده هایشان و گواهانی که از سوی آنان می‌آیند در برابر تهدید و انتقام نظام‌های مختلف دادرسی جهت حفظ امنیت بزه‌دیده تدابیر مختلفی را اتخاذ کرده اند (عباسچی، ۱۳۹۵: ۷۱).

نگرش نهج البلاغه نسبت به مقوله امنیت قشر آسیب‌دیده و مورد ظلم قرار گرفته

امام علی (ع) در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه ضمن بیان آرمان‌ها و اهداف عالی بر پایی و اقامت حکومت اسلامی، یکی از اساسی‌ترین آن اهداف آن را ایجاد امنیت به‌ویژه برای مظلومین و آسیب دیدگان جامعه دانسته است. امام ضمن تضرع به خداوند تبارک و تعالی عرض می‌کند: «اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منّا منافسه فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام و لکن لُتِردَ المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک، فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطله من حدودک؛ بار الها! تو آگاهی که هدف ما از قیام، عشق به قدرت و دستیابی به فرونی متاع دنیا نیست و تنها بدان منظور است که نشانه‌های دین تو را به جایی که بود، بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو ظاهر سازیم تا بندگان ستم‌دیده‌ها در امان باشند و حدود ضایع گشته‌ها بر پا شود».

امیرمومنان علی (ع) ایجاد امنیت و حمایت از بندگان مظلوم و محروم، برچیدن آثار فتنه و فساد، مستقرساختن صلاح، پاکی، صلح و صمیمیت و طرد عناصر فاسد و مفسد را به‌عنوان اهداف عالی خود در قبول حکومت و زعامت دنیوی اعلام می‌کند. امام (ع) در فرازی از خطبه‌اش، فراهم کردن امنیت همه‌جانبه را مقصد اساسی می‌داند که در سایه آن، رشد و تعالی مردمان صورت می‌گیرد و هر کسی می‌تواند در چنین فضا و ظرفیتی کمالات خویش را آشکار کرده و به بلوغ برساند. از نظر آن حضرت اسلام و فلسفه و سبک زندگی آنکه در قالب آموزه‌های معرفتی و دستوری آن مطرح شده است، مایه امنیت اساسی جامعه است. ایشان می‌فرماید: «الحمد لله الذی شرع الاسلام... فجعله اماناً لمن علقه^۱؛ ستایش مخصوص خداوندی است که اسلام را تشریح کرد... و آن را برای هر که به آن چنگ زند، مایه امنیت قرار داد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۶).

با استناد به این فرمایشات نیکو، می‌توان گفت که مسئله امنیت پدیده خلق‌الساعه و نوپایی نیست. بلکه صیانت از کیان انسان و انسانیت، محور اصلی دین نیز می‌باشد. دین رویکردهای تربیتی را پیش رو نهاده تا به مدد آن، یک انسان حس امن بودن و امنیت را به صورت پایدار تجربه نماید. اگر نیک به این مقوله نگرسته شود، درمی‌یابیم که هیچ توفیق و

^۱ الحمد لله الذی شرع الإسلام فسَهّل شرایعہ لمن ورّده و أعزّ أركانہ علی من غابته، فجعله اماناً لمن علقه و سلماً لمن دخله و برهاناً لمن تکلم به و شاهداً لمن خاصّم عنه و نوراً لمن استنصاه به و فهماً لمن عقل و لباً لمن تدبّر و آیه لمن توسّم و بصیرة لمن عزم و عبرة لمن اتعظ و نجاه لمن صدق و ثقة لمن توکل و راحة لمن فوّض و جنة لمن صبر. فهو أبلغ المناهج و أوضح الوسائل، مشرف المنار، مشرق الجواز، مضيء المصابيح، كريم الضمائر، رفيع الغايه، جامع الحلي، متنافس السبغ، شريف الفرسان، الصديق منهاج و الصالحات مناره و الموت غايته و الدنيا مضماره و القيامة حلته و الجنة سقته.

ترقی برای جوامع به ارمغان نیامده است مگر با حصول امنیت برای همه مردمان آن جامعه. لذا با توجه به آنکه در جستار حاضر امنیت بزه‌دیدگان در چارچوب فرایند دادرسی و کیفردهی بزهکاران مدنظر هست، از سخن امام(ع) می‌توان انسان مظلوم را همان فرد بزه‌دیده تلقی نمود که وظیفه حاکم شرع و مقدرات حکومت آن است تا دادخواه و دادستان فرد بزه‌دیده (مظلوم و آسیب دیده) باشند.

بزه‌دیدگان ویژه

«بزه‌دیدگان ویژه» از آن گونه مفاهیمی است که دارای تعریف قانونی نیست، بلکه قانون نویسان همواره در تلاش بوده‌اند که مصادیق این مفهوم را بیان کنند. البته باید توجه داشت که از لحاظ اصول کلی، هیچ گونه تفاوتی بین بزه‌دیدگان عادی و ویژه وجود ندارد. آن چه که موجب تفاوت بین این دو گروه می‌باشد، شرایط شخصی و اجتماعی است که موجب می‌شود بزهکاران را به خود جلب کند، یعنی برای بزهکاران جذابیت خاصی را ایجاد می‌کند. ناتوانی‌های جسمانی (فیزیکی یا روانی)، جنسیت، اقلیت‌های نژادی یا سیاسی یا دینی، زیادی یا کمی سن از این گونه ویژگی‌ها هستند (کرد علیوند، احمدی، ۱۳۸۹: ۱۵).^۱ نقشی که این مؤلفه‌ها در بزه‌دیدگی فرد بازی می‌کنند، در سال‌های کنونی موضوع پژوهش‌های فراوانی شده است که منجر به نظریه پردازی‌های جالبی شده است. از این نمونه نظریه‌های بزه‌دیدگی می‌توان به «نظریه‌ی سبک زندگی - مجاورت»^۲ اشاره کرد (دوکاستر استاسی و رناکرنل، ۱۳۹۲: ۴۸۶). بنابراین گفته شده «بزه‌دیدگان ویژه» آن دسته از بزه‌دیدگانی هستند که به لحاظ داشتن یک وصف ویژه بر پایه‌ی معیارهای عینی یا شخصی - نیازمند برخورداری از تدابیر حمایتی دوچندان و گسترش یافته هستند.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز بدون این که تعریفی از «بزه‌دیدگان ویژه» بیان شود به گونه‌های بزه‌دیدگان ویژه اشاره شده است. از جمع مواد ۶۶، ۷۰ و ۷۱ قانون یادشده برمی‌آید که از دیدگاه مقنن ایرانی؛ کودکان (اطفال)، نوجوانان، زنان، بیماران، ناتوانان جسمی و ذهنی، محجوران، سالمندان و مجانین «بزه‌دیدگان ویژه» محسوب می‌شوند.

ضرورت حمایت ویژه از بزه‌دیدگان ویژه

سال هاست که درباره‌ی لزوم «پس روی حقوق کیفری» از شئونات گوناگون اجتماعی افراد گفتگو شده است و در عمل نیز تأثیر به‌سزایی در رویکرد قانونگذاران داشته است. مباحثی هم چون قضازدایی، جرم زدایی و کیفرزدایی در این قلمرو قابل بحث می‌باشند. البته در یک سیاست جنایی مبتنی بر خرد و قانون، هم چون سیاست جنایی مدل دولت - جامعه لیبرال که همواره خود را با نیازمندی‌های جدید انطباق می‌دهد، در برخی زمینه‌ها شاهد «پیش روی حقوق کیفری» در قالب «جرم زایی» یا «جرم انگاری» یا تشدید سیاست‌های سرکوبگرانه و محدود کننده‌ی آزادی هستیم. در همین راستا تدوین و اجرای سیاست‌های افتراقی نسبت به شناسایی گونه‌های ویژه‌ی بزه‌دیده و حق‌های آنان تبدیل به یک ضرورت قانونگذاری شده است، تا جایی که فرآیند جهانی شدن آن‌ها نیز در حال تحقق است.

سوی مباحث اخلاقی و فلسفی که برای توجه بیش از پیش به بزه‌دیده و نقش وی در فرآیند دادگری کیفری مورد عنایت اندیشمندان قرار گرفته است، بطور اصولی این امر نقش انکارناپذیری در پیشگیری از وقوع جرم و برقراری امنیت اجتماعی بازی می‌کند. درباره‌ی گفتمان مربوط به «بزه‌دیدگان ویژه» می‌توان گفت که پژوهش‌گران از نظر آماری به نشانه‌هایی دست یافته‌اند که بیانگر بودن پیوند میان برخی از گونه‌های ویژه هم چون معلولیت با نرخ بالای بزه‌دیدگی

^۱ - برای نمونه، افراد سال مند، اهداف مناسبی برای جرائمی هم چون کیف قاپی و مانند آن در خیابان‌ها هستند.

^۲ - Lifestyle- Exposure

درباره‌ی برخی جرائم است (بانی، ۱۳۹۶: ۳۱۱). بنابراین متناسب با نوع جرم، احتمال دارد که افراد تنها به جهت این که دارای موقعیت آسیب پذیری ویژه هستند، در تیررس خطر شدید بزه‌دیدگی باشند.

به بیان دیگر، شرایط و موقعیت‌های ویژه هم چون سن و جنسیت می‌تواند نقش مهمی در تجربه‌ی فرد از بزه‌دیدگی بازی کند. درک چگونگی تأثیر روابط متقابل میان نژاد، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت، می‌تواند در آینده برای پژوهش‌گران، راهگشا باشد. مطالعات آینده درباره‌ی ماهیت بزه‌دیدگی و شیوه رفتار با بزه‌دیدگان و نیز فرآیند مداوای آنان نیاز به ارزیابی کامل این روابط دارد (مارسیناک، ۱۳۹۴: ۱۹۱). نکته‌ی قابل توجه این که عمدتاً این ویژگی‌های خطرناک، به سبب تقصیر شخص بزه‌دیده ایجاد شده است و همین امر ضرورت حمایت از این بزه‌دیدگان را دو چندان می‌کند. رسیدن به یک سیاست جنایی کارآمد، نیازمند این است که بر پایه‌ی یافته‌های نوین علمی درباره‌ی شدت و گونه‌های بزه‌ها، گونه‌های ویژه‌ی بزه‌دیدگی و راهکارهای کاهش جدایت و مانند آنها، در راستای افتراقی شدن سیاست جنایی، واکنش‌های حقوقی، اجتماعی و قضایی ویژه‌ی پیش‌بینی شود.

گونه شناسی بزه‌دیدگان ویژه

پژوهش‌گران عرصه‌ی دانش بزه‌دیده شناسی، تقسیم بندی‌های گوناگونی از نظر گونه‌شناسی بزه‌دیدگان ارائه داده‌اند که از آن جمله می‌توان به گونه‌های «بزه‌کار- بزه‌دیده»^۱، «بزه‌دیده‌ی بالقوه»^۲ و بزه‌دیدگان مکرر اشاره کرد. آن چه که در این مجال قابل بحث است، گونه‌ی بزه‌دیدگان بالقوه است. در این گونه، بزه‌دیده و بزه‌کار از نظر بزه‌دیده شناسی علت شناختی به بره و گرگ تشبیه شده‌اند. علت حمله‌ی گرگ به بره، ویژگی‌های بره از جمله ناتوان بودن، ضعیف بودن و مقاومت نکردن کافی می‌باشد و این ناتوانی یا کم توانی ناشی از کمی یا زیادی سن، وضعیت فیزیولوژیکی (جنسیت) یا هر گونه شرایط خاص زیستی، روانی و اجتماعی می‌باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). در یک تقسیم بندی دیگر، بسیاری از گونه‌های بزه‌دیدگان ویژه که مورد بحث در این نوشتار هستند، از زمره‌ی بزه‌دیدگان کامل بی‌گناه (بزه‌دیده-ی آرمانی) که هیچ گونه نقش و تقصیری در وقوع جرم ندارند، تلقی شده‌اند. کودکان و دیوانگان در این قلمرو قابل بحث و بررسی هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

حقوق بزه‌دیدگان ویژه در دادرسی کیفری

• حق انجام تحقیقات به وسیله‌ی ضابطان ویژه

در جرم شناسی، کودکان و نوجوانان بزه‌دیده بر پایه‌ی معیار آسیب شناسانه‌ی سن از بزه‌دیدگان بزرگ سال جدا می‌شوند و مقررات ویژه‌ای در راستای حمایت از این گونه بزه‌دیدگان پیش‌بینی می‌شود که می‌توان از آن به عنوان «سیاست جنایی افتراقی در برابر کودکان و نوجوانان» یاد کرد. یکی از جلوه‌های این سیاست، تعیین افراد کارشناس و آموزش دیده به عنوان پلیس یا ضابط ویژه می‌باشد. در همین راستا و به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، «پلیس ویژه‌ی اطفال و نوجوانان» در نیروی انتظامی - به عنوان ضابط عام دادگستری - تشکیل می‌شود (ماده ۳۱ ق.آ.د.ک). همان طور که از واژگان‌های ماده‌ی یاد شده برمی‌آید، تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان یک تکلیف برای دستگاه قضایی و نیروی انتظامی کشور می‌باشد. از طرفی براساس ماده‌ی ۴۲ همان قانون، به زنان و افراد نابالغ دیگر در فرآیند دادرسی کیفری، این حق داده شده است که تحقیقات و بازجویی کردن از آنان توسط ضابطان

^۱- "Victimizer- Victimized"

^۲- "The Potential Victim"

آموزش دیده‌ی زن و با رعایت موازین شرعی صورت بپذیرد. با توجه به بکار بردن واژگانی چون «بازجویی» و «تحقیقات» در متن ماده، می‌توان گفت که حکم مقرر در آن همه‌ی افراد درگیر در فرآیند دادرسی کیفری هم چون بزهدیده، بزه‌کار و شاهد را دربرمی‌گیرد (معظمی، ۱۳۹۴).

• حق بهره‌مندی از خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)

آشکار است که امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های نادولتی از گروه‌های مردمی هستند که در جهت گیری‌های اجتماعی - سیاسی جامعه بسیار مؤثر هستند. این گروه‌ها جلوه‌هایی از حضور مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات سازنده - اجتماعی می‌باشند، به نحوی که حضور آنها در قلمرو مباحث کیفری نیز گسترده شده است و از آنها به عنوان «دادستان‌های خصوصی» یاد می‌شود. قانونگذار ایران، هرچند دیر، ولی امیدوار کننده، نقش این نهادها را در تأثیرگذاری بر فرآیند دادرسی کیفری، مورد شناسایی قرار داده است. نقش اعلام‌کننده‌ی جرم و حضور در همه‌ی مراحل دادرسی کیفری از نوآوری‌های برجسته‌ی این قانون می‌باشد. هدف از این تأسیس نوین، حمایت از گونه‌های ویژه‌ی از بزهدیدگان هستند که حمایت از آنان موضوع اساسنامه‌ی آن سازمان‌ها می‌باشد. این نهادها هم نقش اقدامی و هم نقش مشاوره‌ای دارند. هم چنان که در ماده ۶۶ ق.آ.د.ک و تبصره‌های آن آمده است. در وهله‌ی نخست این سازمان‌های نادولتی می‌توانند به عنوان شاکی یا اعلام‌کننده‌ی جرم، چرخه‌ی آئین دادرسی کیفری را به حرکت درآورند. در گام بعدی آنها می‌توانند که در جریان فرآیند دادرسی کیفری برای بزهدیدگان اقدامات مشاوره‌ای و امدادی مناسبی برنامه‌ریزی و اجرا کنند (ساقیان، ۱۳۹۴: ۷۴).

در بررسی این ماده و تبصره‌های آن چند نکته قابل توجه هستند.

- ۱- حذف حق اعتراض نسبت به آراء مراجع قضایی که در سال ۹۴ انجام شد. قابل توجه نیست؛ زیرا وقتی که این نهادها می‌توانند در همه‌ی فرآیند دادرسی مشارکت نمایند، می‌بایست حق اعتراض نیز برای آنها شناسایی شود.
- ۲- وقتی از عبارت «... و در تمام مراحل دادرسی شرکت نماید...» را مورد توجه قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که شرکت در مرحله‌ی اجرای حکم و پیگیری امر اجرایی نیز از اختیارات آنان است، چرا که مرحله‌ی اجرای حکم، آخرین مرحله از مراحل دادرسی کیفری می‌باشد.
- ۳- از دیدگاه حمایتی، محدودیت ایجاد شده در تبصره‌ی نخست ماده، قابل نقد است، چرا که سوای این که شیوه‌ی بدست آوردن رضایت بزهدیده معلوم نشده است، اصولاً ممکن است بزهدیده بنا بر معذوریت‌هایی، تمایل به اعلام رضایت به تعقیب نداشته باشد (عباسچی، ۱۳۹۵: ۱۴).

• حق آگاهی یافتن از وجود سازمان‌های مردم‌نهاد

در بند پیشین گفته شد که قانونگذار وجود سازمان‌های مردم‌نهاد را برای حمایت و خدمت‌رسانی به گونه‌های ویژه‌ی بزهدیده (اطفال، نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی) مورد شناسایی قرار داده است. اسامی این سازمان‌ها که توانایی انجام این گونه خدمات و حمایت‌ها را دارند، می‌بایست در سه ماهه‌ی آغازین هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه شوند و به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد (تبصره سوم ماده ۶۶ ق.آ.د.ک).

با توجه به نوین بودن این تأسیس حمایتی و آگاهی‌نداشتن افراد مشمول خدمات این گونه سازمان‌ها، نیاز هست با روش‌های گوناگون، وجود آنها و نوع خدماتی که می‌توانند ارائه دهند به آگاهی بزهدیدگان ویژه برسد. سوای بهره‌جستن از رسانه‌های رسمی و نارسمی، شفاهی یا ناشفاهی، مجازی و غیرمجازی و ... برای آگاهی‌رساندن به شهروندان،

قانونگذار با یک رویکرد واقع گرایانه، فرض را بر آگاهی نداشتن بزه‌دیده گذاشته است و به همین جهت ضابطان دادگستری و مقامات قضایی - از دادسرا تا دادگاه - مکلف شده‌اند که بزه‌دیدگان جرائم موضوع ماده را از کمک رسانی این سازمان‌ها آگاه سازند. (تبصره‌ی دوم).

اصل ایجاد تکلیف برای کنش گران دستگاه عدالت کیفری امری پسندیده است، ولی تعیین نکردن ضمانت اجرای تخلف از آن موجب عقیم شدن موضوع می‌گردد. در قانون برای تخلف ضابطان دادگستری و مقامات قضایی، ضمانت اجرا پیش بینی نشده است. از دیدگاه تطبیقی، سیاست قانونگذاری جنایی شکلی، در برخی کشورها به این صورت است که اگر مقررات دادرسی نقض شوند، موجب مسئولیت کیفری فرد خطاکار و بی‌اعتباری تحقیقات انجام شده می‌گردد. در فرانسه، چنان چه ضمانت اجرایی برای عدم رعایت مقررات شکلی پیش بینی نشده باشد، رویه‌ی دیوان عالی کشور فرانسه تحقیقات انجام شده را باطل اعلام می‌کند، مثل جایی که اصول توافقی بودن دادرسی نادیده گرفته می‌شود (ساقیان، ۱۳۹۴: ۷۹).

• حق بهره‌مندی از مترجم

ناتوانی در سخن گفتن به زبان فارسی، ممکن است که بر حق‌های افراد در روند دادرسی کیفری خدشه وارد کند. این ویژگی باعث می‌شود که بزه‌دیده در یک موقعیت آسیب پذیر قرار بگیرد. قانونگذار در یک رفتار هوشمندانه، مقام قضایی رسیدگی کننده را مکلف کرده است که هرگاه شاکی ناتوان در سخن گفتن به زبان فارسی باشد، برای وی مترجم رسمی و در صورت در دسترس نبودن مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین کند. این حق هم در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله‌ی رسیدگی در دادگاه پیش بینی شده است (مواد ۲۰۰ و ۳۶۷ ق.آ.د.ک).

• حق بهره‌مندی از فرد مورد وثوق یا وسایل فنی

نارسایی‌های جسمانی ممکن است مانعی بر سر راه احقاق حق باشد و مقررات قانونی بایستی با بکار بستن راهکارهای مناسب این موانع را بردارد و اجرای حق‌های مربوط به دادرسی را تضمین نماید. یکی از این روش‌ها، تعیین فرد مورد اطمینان برای فهمیدن و دانستن مفهوم حرکت‌ها و اشاره‌های فرد ناشنوا یا ناتوان در گفتار می‌باشد. افزون بر این که می‌بایست بزه‌دیده مفهوم دادرسی و اقدامات مقامات عدالت کیفری را بفهمد، می‌بایست منظور شاکی نیز برای این مقامات روشن باشد. تعیین فرد مورد وثوق یا بهره‌بردن از تکنیک‌ها و ابزار علمی و فنی از روش‌هایی است که مورد عمل قرار می‌گیرد (ماده‌ی ۲۰۱ ق.آ.د.ک). در ماده‌ی ۳۶۸ همان قانون، وجود این حق برای شاکی در مرحله‌ی دادرسی نیز به رسمیت شناخته شده است.

پر واضح است که نارسایی در هر یک از عملکردهای اصلی همانند بینایی، شنوایی، گفتاری و مانند این‌ها یک امر نسبی است. پس مراد از «قدرت نداشتن در تکلم» لال بودن مطلق نیست، بلکه ممکن است فرد واژگان را تکلم کند ولی نامفهوم و نارسا باشند. برای این که اظهارات این گونه افراد در دادرسی جدی گرفته شود یا این که برداشت اشتباهی از گفتار و حرکت‌های وی صورت نپذیرد، استفاده از مترجم یا دستگاه کنفرانس ویدئویی حیاتی می‌باشد (بانی، ۱۳۹۶: ۲۱۲).

• حق داشتن قییم

گاهی بزه‌دیده دارای یک وصف حقوقی است که باعث می‌گردد ناتوان در تصرف در اموال و حقوق مالی خود یا اجرای این حق‌ها باشد. از دیدگاه قانون مدنی؛ صغار (کودکان)، اشخاص غیر رشید (کسی که تصرفاتش در اموال و

حقوق مالی خود عقلایی نباشد) و مجانین (دیوانگان) از زمره‌ی این گونه افراد هستند که در حقوق ایران به عنوان «محجور»^۱ شناخته می‌شوند (مواد ۱۲۰۷ و ۱۲۰۸ قانون مدنی). این گونه افراد که توانایی قانونی برای اقامه‌ی دعوی حقوقی یا کیفری را ندارند، می‌بایست مطالبه‌ی حق خویش را از طریق دیگر افراد - نماینده قانونی - در دستگاه قضایی مطرح نمایند. در اقامه‌ی دعوی کیفری نیاز هست شخصی دلسوز که دغدغه‌ی حفظ و تأمین حقوق بزه‌دیده را دارد، مبادرت به طرح دعوی نماید. در شرایط عادی، پدر یا سرپرست قانونی همانند قیم این تکلیف را برعهده دارند. حال چنانچه به هر علتی امکان طرح دعوی کیفری وجود نداشته باشد، مثل زمانی که پدر یا قیم وجود نداشته باشد یا امکان دسترسی به آنها نباشد و یا این که افراد یاد شده خویش در ارتکاب بزه تحت عنوان مباشر، شریک یا معاون دخالت داشته باشند، براساس ماده‌ی ۷۰ ق.آ.د.ک دادستان تکلیف دارد که شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین کند یا دادستان خود امر کیفری را تعقیب نماید. درباره‌ی شخص سفیه، تنها در دعوی کیفری که جنبه مالی دارد، رعایت ترتیب یاد شده ضروری می‌باشد (تبصره‌ی همان ماده).

• حق بزه‌دیده مبنی بر درخواست اقامه‌ی دعوی کیفری توسط دادستان

در جرائم قابل گذشت، هرگاه بزه‌دیده دارای یک حالت ویژه باشد به نحوی که ناتوان از اقامه‌ی دعوی کیفری است، دادستان پس از بدست آوردن نظر موافق بزه‌دیده، مبادرت به تعقیب امر کیفری می‌نماید (ماده‌ی ۷۱ ق.آ.د.ک). هم چنان که دیده می‌شود، دایره‌ی شمول این ماده فراتر از افراد محجور است و افرادی را که دارای ناتوانی جسمانی (معلولیت فیزیکی یا ذهنی) یا دچار کهولت سن هستند نیز دربرمی‌گیرد. درباره‌ی افراد محجور تفاوت این ماده با ماده‌ی ۷۰ در این است که ولی قهری یا سرپرست قانونی برای بزه‌دیده وجود دارد اما با وجود مصلحت بزه‌دیده اقدام به طرح شکایت نمی‌کند.

• حق بهره‌مندی از خدمات وکیل

حق بهره‌مندی از خدمات وکیل در همه‌ی مراحل دادرسی کیفری از اساسی‌ترین حق‌های بزه‌دیده و متهم است که هم متکی بر اسناد الزام آور بین‌المللی همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ است و هم در قوانین اساسی کشورها پیش بینی شده است (اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). شیوه‌ی اجرای این حق در قوانین عادی به ویژه قوانین دادرسی کیفری مورد قانونگذاری قرار می‌گیرد.

به رسمیت شناختن حضور وکیل در عرصه‌ی عدالت کیفری از جمله بارزترین تضمینات دادرسی و برخورد منصفانه به شمار می‌آید، به نحوی که در پاره‌ای موارد فرد ملزم به استیفاء این حق (وکیل تسخیری) می‌باشد. برخی اسناد ویژه‌ی بزه‌دیدگان نیز در چارچوب حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان وجود این حق را به رسمیت شناخته‌اند. بنابراین دسترسی همه جانبه و بدون محدودیت به داشتن وکیل در شمار حقوق بنیادین شهروندان قرار دارد (کوشکی، ۱۳۹۲: ۱۰۷). اصل حق بهره‌مندی از وکیل برای بزه‌دیده در ماده‌ی ۶۸ ق.آ.د.ک آمده است و براساس ماده ۳۴۶ آن در مرحله دادرسی (محاکمه) شاکی و متهم می‌توانند از این حق استفاده کنند. درباره‌ی بزه‌دیدگانی که به جهت محدودیت‌های مالی، امکان بهره‌مندی از خدمات وکیل را ندارند، «وکیل مجانی» پیش بینی شده است. این تأسیس در راستای ایجاد توازن

^۱ - Incapacity

بین سلاح‌های متهم و بزه‌دیده ایجاد شده است. هرگاه دادگاه حضور و دفاع^۱ وکیل را برای شخصی بزه‌دیده که دارای تمکن مالی نیست، ضروری بدانند، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک ترین حوزه قضایی، یک وکیل تعیین می‌کند تا بتواند در راستای احقاق حق‌های بزه‌دیده رفتار کند. حق بهره‌مندی از خدمات وکیل به طور مجانی، از دیرباز برای متهم شناخته شده است و این نخستین بار است که برای بزه‌دیده نیز این حق به رسمیت شناخته شده است.

نتیجه‌گیری

تاریخ بشر گواه است که در همه دوره‌ها همواره، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به دلیل رفتار افراد یا رویه حکومت‌ها، به زیان بدنی، روانی و مالی شدیدی دچار شده‌اند. درگیری‌های مسلحانه، درگیری‌های قومی، شکنجه، اعدام‌های خودسرانه، زندان‌های غیرقانونی، کشتار افراد در اقلیت توسط مسئولین دولت، همه شکل‌هایی از تجاوز قدرت مداران و حکمرانان و سوءاستفاده از قدرت می‌باشند که برخورد جدی با این مسئله احساس می‌شود. در این راستا مقنن ایرانی در جهت پیشگیری از این امر و سوءاستفاده از قدرت مواد مختلفی را وضع کرده است که می‌تواند در جهت حمایت از بزه‌دیدگان آن‌ها مؤثر باشد.

از جمله حمایت‌های کیفری از بزه‌دیدگان در قاموس حقوقی ایران می‌توان به رفتار محترمانه مطابق با کرامت انسانی او، مشارکت دادن بزه‌دیده در فرآیند رسیدگی، اطلاع‌رسانی به وی، حق بر بیان دیدگاه‌ها و نگرانیهای خود، ارائه مشاوره و راهنمایی در خصوص اقدامات لازم در فرآیند پیچیده رسیدگی، آگاه‌سازی او از روند پیگیری پرونده، میانجیگری، سرعت عمل در رسیدگی و... که همه از زیر شاخه‌های حمایت کیفری محسوب می‌شوند که از طریق دستگاه‌های مختلف عدالت کیفری، در کلیه مراحل رسیدگی انجام می‌شوند، اشاره نمود. ضمن اینکه این حمایت‌ها تا حدود زیادی جبران‌کننده ضرر و زیان روانی و عاطفی و اجتماعی می‌باشند که کمک شایانی به بزه‌دیده در خصوص بازگرداندن وضعیت او به حالت سابق قبل از بزه‌دیدگی یا تفکر بازاندیشانه وی می‌کنند. یکی دیگر از دغدغه‌های مهم بزه‌دیدگان، تفکر در خصوص امنیت خود و شهود و اعضای خانواده خود می‌باشد. بزه‌دیدگان همواره از انتقام و اقدامات تلافی‌جویانه متهم یا مجرم و حامیان آنان هراس دارند. بنابراین بزه‌دیدگان نیاز به احساس امنیت دارند که بتوانند با خیال آسوده به پیگیری دعوای خود بپردازند و بنظر می‌رسد تنها حمایت کیفری در روند رسیدگی است که می‌تواند پاسخگوی این نیاز بزه‌دیدگان می‌باشد. بدیهی است که دستگاه قضایی می‌تواند با انجام اقداماتی در خصوص جلوگیری از عدم رویارویی بزهکار با بزه‌دیده و شهود از قبیل ایجاد اتاق‌های انتظار، ارائه شهادت و برگزاری محاکمه از طریق سیستم صوتی و تصویری، حفاظت از امنیت جسمانی بزه‌دیده در مقابل تهدیدهای متهمان از طریق بازداشت متهم، اسکان دادن بزه‌دیدگان در جاهای امن و حفاظت از هویت و اسرار او، به این مهم بپردازد. بنابراین حمایت مناسب از بزه‌دیدگان، قبل از همه از طریق حمایت کیفری تحقق می‌یابد که می‌تواند تأمین‌کننده نیازهای بزه‌دیده و خانواده وی باشد.

^۱ - بکار بردن واژه‌ی «دفاع» مبتنی بر مسامحه است، زیرا این متهم یا وکیل وی است که مبادرت به دفاع کند و اقامه دعوی وصف شاکی یا وکیل شاکی می‌باشد، مگر این که منظور از واژه‌ی دفاع در این ماده، دفاع از شکایت باشد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). «ارزیابی تحولات اخیر سیاست کیفری در قبال بزهکاران مزمن در پرتو موازین حقوق بشر (از مراقبت و تنبیه تا تنبیه و مراقبت)». مجموعه مقالات (پیشگیری از بزه دیدگی).
- احمدی میرقاند، علی. (۱۳۹۷). پیشگیری از جرم از منظر نهج البلاغه و صحیفه سجادیه. تهران: انتشارات آریا دانش.
- افتخار جهرمی، گودرز. (۱۳۹۲). حق متهمان در بهره مندی از وکیل در لایحه‌ی آئین دادرسی کیفری، دایره المعارف علوم جنایی؛ کتاب دوم، نشر میزان.
- اکبری، سید صادق، (۱۳۹۲). بازتاب آموزه‌های جرم‌شناسی در حقوق کیفری عمومی. پایان‌نامه برای درجه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و تحقیقات خوزستان
- آقای جنت مکان، حسین، (۱۳۹۰). حقوق کیفری عمومی. جلد نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- الوانی، سارا و شاهحسینی فارسی، علی حسین و کشاورز مویدی، محمدحسن (۱۴۰۰)، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال پیشگیری از بزه دیدگی معلولین، نخستین کنفرانس ملی آسیب‌های اجتماعی و روانی با تاکید بر علوم رفتاری، شیراز.
- بانجی، رابرت. (۱۳۹۶). بزه دیدگی معلولان، مترجم: فاطمه قناد. تهران: چتر دانش.
- توجهی، عبدالعلی. (۱۳۹۳). اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران، مندرج در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن، (۱۳۹۱). بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی، نشر جنگل.
- دوکاستر استاسی و رنا کرنل، نظریه‌های اولیه بزه دیدگی، مترجم: امیرحسین نیازپور، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیش‌گیری از جرم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳، جلد اول، ص ۴۸۶.
- رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰). بزه دیده شناسی حمایتی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- رضایی، کاظم. (۱۳۹۸). جایگاه امنیت در نگاه امام علی (ع). تهران: نشر کیهان.
- ریچارد دراگ، وای، تی، گاردن (۲۰۱۹) هزینه‌های واحد اعمال بزهکارانه برای استفاده در ارزیابی‌های اقتصادی مداخلات با هدف کاهش مصرف مواد و بزهکاری در نوجوانان. مجله سیاست و اقتصاد سلامت روان، ۲۲(۲)، ۷۱.
- ساقیان، مهدی. (۱۳۹۴). تقریرات درس آیین دادرسی کیفری تطبیقی، دوره ی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی قشم.
- سبزواری نژاد، حجت، (۱۳۹۲). تأثیر مجنی علیه در تعیین مجازات، انتشارات جنگل.
- عباسچی، رضا، ۱۳۹۵، حمایت از جایگاه بزه‌دیدگان (راهکارها و راهبردها)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. بجنورد. دانشگاه آزاد اسلامی.
- قپانچی، حسام، حمیدرضا دانش ناری، (۱۳۹۱). «الگوهای دوگانه فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴.
- کاویانی، محمدهادی. (۱۳۹۰). حق امنیت فردی و تامین آن در نهج البلاغه. نشریه: حقوق خصوصی. دوره: ۸، شماره: ۲ (پیاپی ۱۹).
- کرد علیوند، روح الله و احمد محمدی، بزه دیده و بزه دیده شناسی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ص ۴۹.

- کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۲). بررسی مهمترین نوآوری‌های «حمایتی» و «سازمانی» لایحه آئین دادرسی کیفری در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، دایره‌المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، تهران، نشر میزان.
- مارسیناک، لیز ماری. (۱۳۹۴). آینده بزه دیده شناسی، مترجم: مهدی صبری پور. تهران: نشر قومس.
- معظمی شهلا. (۱۳۹۴). «حمایت از زنان در برابر خشونت خانوادگی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳
- موسوی، عافی‌السادات (۱۳۹۴). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: نشر مجد.
- نجفی ابرندآبادی علی حسین (۱۳۹۳)، «تاریخ اندیشه‌های کیفری»، تهران، نشر سمت، چاپ هشتم
- نجفی ابرندآبادی، علی حسن. (۱۳۸۷)، تقریرات درس بزه دیده شناسی علت شناختی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- نیاز پور، امیر حسن، (۱۳۹۰). توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، میزان.
- Barrett, B. J. (2017). Police response to intimate partner violence in France: Do victim characteristics matter?. *Women & Criminal Justice*, 21(1), 38-62.
- Birnbaum, r., & bala, n. (2010). Toward the differentiation of high-conflict families: an analysis of social science research and canadian case law. *Family court review*, 48(3), 403-416.
- Cook, A. N., & Roesch, R. (2012). “Tough on crime” reforms: What psychology has to say about the recent and proposed justice policy in Canada. *Canadian Psychology/Psychologie Canadienne*, 53(3), 217.
- Oxford, M., & Ruddell, R. (2010). Police—Parole Partnerships in Canada: A Review of a Promising Programme. *International journal of police science & management*, 12(2), 274-286.

Realization of Justice and Safety of the Victim in the Criminal Process and Nahj Al-Balagha

Meysam Keshavarzi Valadani
Masoud Heidari Kameli

Abstract

Nowadays, the criminalization of threatening the victimized witnesses to scare them from going to the judicial system or withdrawing the complaint or not testifying is a common method in many criminal systems. Avoiding the confrontation of the victim with the accused or the criminal as one of the objective-material rights of the victims is one of the important components of ensuring their security. Therefore, due to the importance of this issue, in the current research, attention is paid to the category of realization of justice and security of the victim by looking at the criminal laws of Iran and the Sharif book of Nahj al-Balagheh in an analytical-descriptive way and using the procedure of library studies. The results indicate that the criminal justice system should try to ensure the safety of the victim from various aspects, such as creating a safe environment for the victim, the witness of the crime and also their families, so that the victims, without the slightest encouragement, can restore their dignity and complain. The offender should pay and thus enjoy the protection of the law to appeal his right. Parallel to this legal point of view, Hazrat Ali (a.s) also considered security for the oppressed and the oppressed in the society as the duty of the ruler in various sermons such as sermons 40 and 106 in Nahj al-Balaghah and continuously ordered people's rights to be litigated.

Keywords

Victim, Criminal Justice, Security of Victim, Iranian Law, Nahj Al-Balagha
